

● نوشته: باربارا برند
Barbara Brend

بخشی از کتاب هنر اسلامی

■ منسوجات و فرشها

از آنجایی که منسوجات به طور قابل ملاحظه‌ای قابل حملند، هر گونه احتمالی قابل بررسی است که پارچه‌ها در معرفی و اشاعه نقوش تزئینی چینی بسیار مهم و مؤثر بوده‌اند. داستان معروفی در این زمینه است که هدیه مهمی از ابریشم‌های چینی بابازگشت یکی از سفرای غازان به وطن در سال ۱۲۹۸ م به کشور آورده شد. که نشان دهنده ارتباط نقوش تزئینی دو کشور و تأثیر پذیری هر دو نقوش از یکدیگر است. به هر حال، قطعاتی از چند نوع پارچه که بتوان با اطمینان خاطر به قرن هشتم هجری استناد کرد، باقی مانده است و از این طریق می‌توان تحولاتی را که

در نسخه خطی مصور شده، آمده، دنبال کرد. در هر دو کتاب جامع التواریخ و شاهنامه دموت، پارچه‌هایی با ظاهر سلطان آبادی دیده می‌شود. (تصویر ۱ و ۲) جامه‌ها، یقه‌هایشان برودری دوزی شده یا مربع‌هایی از طرحهای تزئینی چینی روی سینه دارند. بعضی بافته‌ها نقش مایه‌های تکراری کوچکی دارند که تعدادی از آنها بررسی و مطالعه شده‌اند. با این حال اکثریت آنها ساده‌اند و طرحی ندارند. در قرن هشتم هجری تراز (۱) توسط اعراب و فارسها پوشیده می‌شده است، که البته این نوع پوشش دیگر استفاده‌ای ندارد.

گزارش کلاویجو از دربار تیمور، توصیف بانوانی است که در حفظ سنت مغولی که همان پوشش قرمز به عنوان رنگی فرخنده و مبارک بود، می‌کوشیدند. همچنین آنها تمایل به پوشش بغتاج داشتند. بغتاج دستاری تماشایی بود که کلاویجو آن را که به وسیله ساری ملک خانم پوشیده می‌شد، این طور توصیف می‌کند که همانند کلاه خود نیزه‌ای مردان، اطرافیان باید در نگه داشتن عمود آن کمک کنند. در منسوجات به کار رفته در تصاویر نسخ خطی اوایل دوران تیموری، طرحهای تکراری از یک مثلث با نقطه‌های طلایی وجود دارد. تیمور از سه نقطه به عنوان نشانه استفاده کرده بود، اما این نکته منحصر به او نبود. در واقع این نشانه‌ها پیش‌تر بر روی جامه‌ها و در سفالینه‌های زرین فام به کار رفته بود.

تصویر ۱:

محمد سبکتگین از غزنه، که از گنجه عبور می‌کند.
از کتاب جامع التواریخ، تبریز، ۷-۱۳۰۶/۵۷۰۶،
کتابخانه دانشگاه ادینبرو.



دارد. خمیده‌هایی که سقف گنبدی خیمه را شکل می‌دهند، در چرخ چوبی مرکزی جای می‌گیرند و همه با هم به وسیله نوارهایی بافته شده نگه داشته می‌شوند. خیمه استپ‌نشین‌ها با نم‌پوشیده می‌شده است، اما در مصارف دریاری، بافتهای گرانبهاتر به کار می‌رفت.

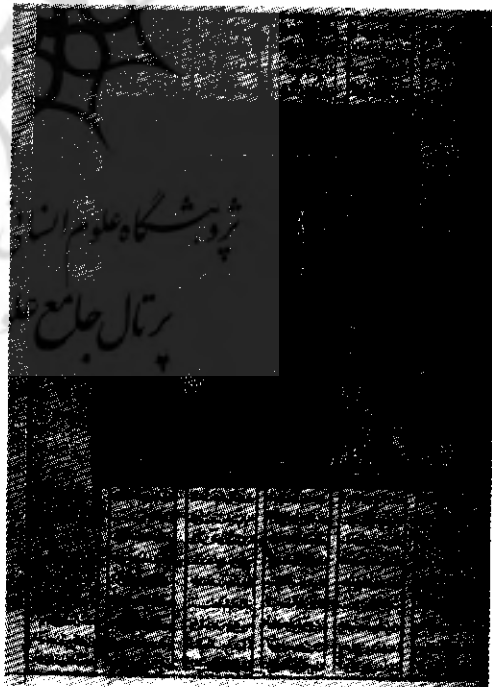
نقاشیهای کتب خطی، همچنین گزارشی از انواع فرش‌ها را عرضه می‌کند. در شاهنامه دموت نمونه‌ای است که نقش مایه‌ای حیوانی دارد، در حالی که دیگر تصاویر، حاشیه‌های کوفی و پهنه‌هایی از نقوش گره‌دار یا پراقه‌هایی هفت‌مانند ریشه‌دار دارند. در تزیینات هفت‌مانند، به عنوان دور حاشیه فرش، از نقاط سه‌تایی استفاده می‌شد که این نوع تزیین روی فرش‌های که در موزه فیتز ویلیام کمبریج William Cambridge The Fitz وجود دارد، دیده می‌شود. شاید این نوع تزیین از سبکهای بافت فرش سمرقند تیمور اقتباس شده باشد. در اواخر قرن هشتم، فرشهایی دارای زمینه‌هایی مربع با رنگهایی متفاوت و درخشان که با طرحهای گره‌دار جدا شده‌اند، بافته می‌شود. در این نوع فرشها، گاهی از حاشیه‌هایی با خط کوفی هم استفاده شده است. تصاویر اواخر قرن نهم هرات، تغییر سلیقه و سبک هنرمندان را همراه با طرحهای

جامه‌های اواخر قرن نهم هجری به طور معمول با بافت ساده نشان داده می‌شوند. نساجی همچنین برای چادر درکار خیمه زدن استفاده می‌شد. در گزارشی است، غازان خان، از چادری با پارچه زریفت استفاده می‌کرده است که این چادر آن چنان پیچیده و دارای جزئیات کامل بود که برپا کردن آن، یک ماه وقت می‌گرفت. توصیف عجیب کلاویجو از خیمه‌های تیمور، شامل کارهای عظیمی می‌شد که برای برپا کردن آن از طناب و تیرک استفاده می‌کرد و تقلیدی از قلعه‌ها و برج و باروها بود. این خیمه‌ها دارای دیوارهای ابریشمین با آویزه‌هایی به رنگ قرمز پررنگ و پولکهای طلایی و تزییناتی از نقوش انسانی و حیوانی بودند. او همچنین شکل دیگری از خیمه را توصیف می‌کند که به وسیله قالب استوانه‌ای شکلی حمایت می‌شد و با حلقه‌ای از چوبهای خمیده محصور بود. این شکل معمولی خیمه آسیای مرکزی است و در تعدادی از تصاویر نسخ خطی اواخر قرن هشتم نشان داده شده است. (تصویر شماره ۳) این نوع خیمه در اروپا، گاه «یورت» نامیده می‌شود، اما این لغت احتمالاً خانه اردوگاهی معنی می‌دهد. به تعبیر بهتر، چهارچوب یا خیمه‌ای داریستی است؛ زیرا دیوار استوانه‌ای ساختار شبکه‌ای یا داریستی



تصویر شماره ۳:

دیوان (مجموعه شعر) سلطان احمد جلایر، احتمالاً در بغداد نسخه برداری شده و تاریخ احتمالی آن م ۳-۲/۱۳۰۵ هـ است و یک نوع زندگی چادر نشینی را نشان می‌دهد. واشنگتن دی سی، فریر گالری Freer Gallery Of Art, Washington D.C.

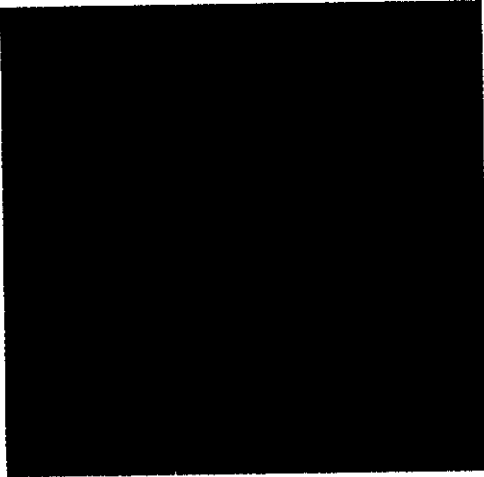


تصویر ۲:

اسفندیار در مقابل پدرش کشتاسب، از شاهنامه دموت، تبری، در حدود م ۷۳۶/۱۳۳۶ هـ، فلورانس، دانشگاه هاروارد، مرکز مطالعات رنسانس ایتالیا.

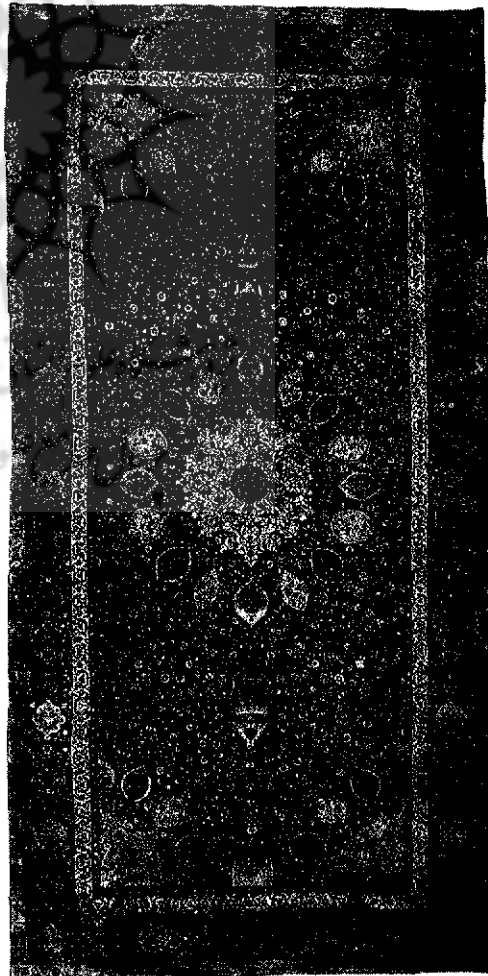


تصویر ۴: پارچه ابریشمی، با موضوع لیلای مجنون، طراحی شده به وسیله قیاس، احتمالاً متعلق به یزد، اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم، لیلای مجنون را در صحرای وحشی ملاقات می کند، از خمسه امیر خسرو دهلوی، نگهداری می شود در: Musees Royaux d'Art et d'Histoire, Brussels.



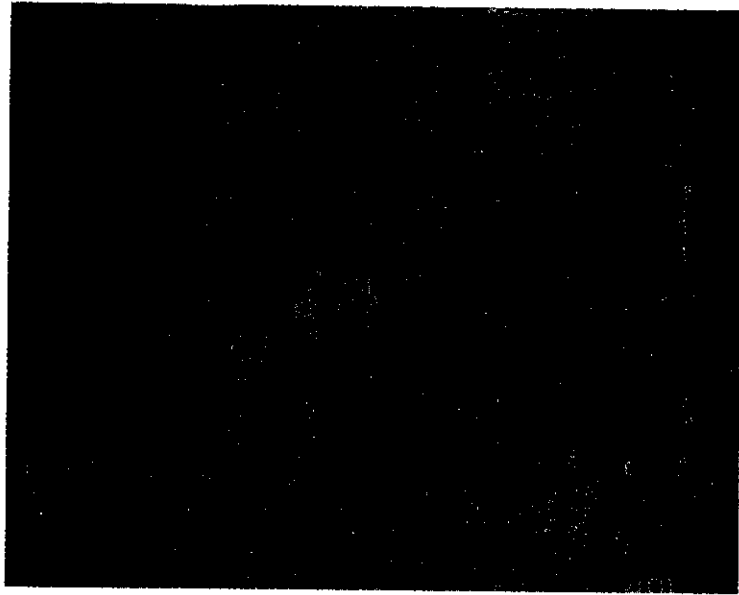
تصویر ۵: لباس جفت ابریشمی گلدوزی شده در بافتهای گلدار، احتمالاً از یزد، قرن یازدهم، لباس جفت یک ساختار ترکیبی از دو رنگ در یک بافت ساده است که پشت و روی آن همان طرح را دارد، ولی با رنگهای وارونه و برعکس، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن.

تصویر شماره ۶: فرش اردبیل، ایران، احتمالاً تبریز، زمینه از آبی لاجوردی با طرحهایی از آبی کم رنگ روشن، فیروزه ای، سبز روشن، کرم، زرد، قرمز کوجه ای و سیاه تشکیل شده است. یک متن در یکی از دو ابر کارتوجبا دیده می شود که می گوید: پناهگاهی بجز بهشت در این دنیا برای من نیست، اینجا جایی و مکانی برای سر من نیست، عمل و آفریننده خاکسار دربار، مقصود کاشانی ۹۴۶، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، Victoria and Albert, London.



منحنی اقتباس شده از تذهیب کتب خطی و طرح رنگهای غیرطبیعی نشان می دهد. در گزارش می خوانیم که مسجد جامع میبد یزد، دارای فرش با تکنیک بافت مسطح است (زیلو) ۸۰۸/۱۴۰۵. در قرن دهم هجری مردها تاج حیدری که کلاه بلندی بود بر سر می گذاشتند و لباس بلند و گشادی بر تن می کردند. آنها اغلب یک شل یا بالاپوش که با یک بست قلاب مانند جفت می شد بر روی همه لباسهایشان می پوشیدند. خانمهای باوقار، بعضی مواقع اضافه بر چارقد زنانه معمول، یک کلاه با زنانه ظریف که بر روی پیشانی قرار می گرفت بر سر می گذاشتند که در عقب یک دنباله جاروب مانند داشت. شاه عباس اول یک نمونه جدید از تاج که فرم آن قله مانند بود معرفی کرد. اما ویژگی شخصیتهای درباریش، یک دستار آزاد که قرن هشتم مظفریان را به یاد می آورد، بود. در این دوره همچنین یک کلاه با لبه برگشته پهن که به یک طرف می افتاد باب شده بود. جامه کردی که کت کوتاهی با گیره ای در کمر بود، مدروز شد. مردها بعضی از اوقات شلوار می پوشیدند.

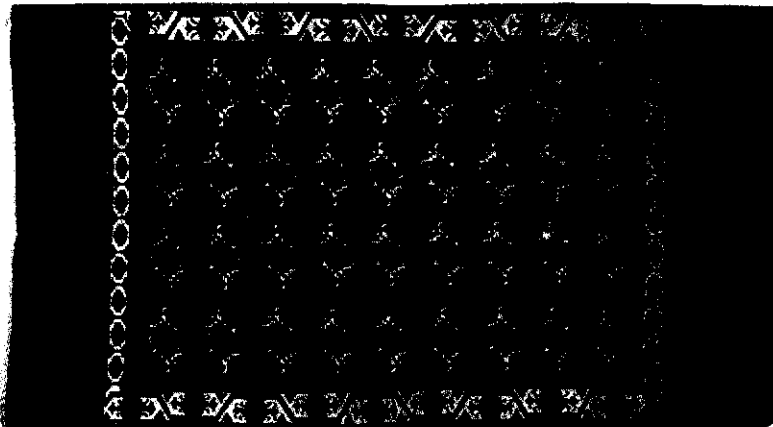
تصویر شماره ۷:
فرش وکتر (باغی)،
قسمت مرکزی ایران،
نیمه دوم قرن یازدهم،
فرش باغی شاید در زمان
فعالیتبای شپرسازی شاه عباس
صفوی پیشرفت کرده باشد،
نقشه های آنها متأثر از نقاشیهای
کتب خطی است.
گلاسکو، مجموعه بوررل
Burrell Collection, Glasgow.



پرنده با یک گل، یا یک پرنده در یک درخت با شکوفه های کم بود. این گروه از نقش مایه ها منشاء اروپایی دارد، اگرچه ممکن است گل و مرغ، اشعار فارسی را به یاد بیاورند. در دوره قاجار از نقش مایه هایی شبیه بوته استفاده می شد که احتمالاً قبلاً در هند رایج شده بود. در بریتانیا برای این نقش مایه ها نام 'Paisley' به کار می رود که نام محل طراحی شالهای هندی است.

فرشهای دریاری قرن دهم باشکوهترین نمونه ای است که تاکنون بافته شده است. طراحیها و نقوش استفاده شده در آنها آشکارا از مینیاتورهای نسخ خطی قرن نهم نهم گرفته شده است. در این فرشها نقوش برگرفته از خطوط منحنی با گره های غیرمقارن فارسی به کار رفته است. این فرشها را می توان به وسیله شماری از انواع طرحها طبقه بندی کرد، که ممتازترین گروه، فرشهایی با نقوش مدالیون یا دایره مانند است. این نوع فرشها از قالب جلد های کتب و سرلوحه ها و شمشه های مرکزی یا ستاره و نوار حاشیه قابها و بعضی مواقع قطعات و تکه های گوشه ای، پیروی می کنند. دستور بافت بزرگترین این فرشها یا قالبها، به وسیله شاه طهماسب برای بقعه شیخ صفی الدین در اردبیل صادر شد. این فرش دارای تناسب و شکوهی جانوبی است. ولی حرمت و احترام این فرش نه به دلیل تناسب جادویی اش، بلکه برای کیفیت عالی طرحش است که برگرفته عرفان اسلامی است. چراغهایی که از ستاره یا شمشه مرکزی آویزان هستند، به گنبد با عظمت آسمان اشارت دارد و این که مؤمن در هنگام سجده سرش را به پیشانی گنبد آسمان می ساید. (تصویر شماره ۶)

نادرشاه یک کلاه چهارگوشه که ممکن است به نشانه وفاداری به چهار خلیفه اول باشد، بر سر داشت. فتحعلیشاه یک تاج گوهرنشان بلند را معرفی کرد. خانمهای پذیرایی کننده در این دوره دارای پوششی زینتی با کلاه و لباسی جواهرنشان بودند که لباسهای هندی را به خاطر می آورد. ایرانی ها کلمه «تفته» یا بافته شده را برای ابریشم ساده بافته شده معرفی کردند، اما جالبترین و ارزشمندترین ابریشمها از دوره صفوی و قاجار است که ترکیبهایی بافته شده از مخمل درخشان و تار و پودهای مکمل ساختار اصلی اش، اجازه استفاده از طرحهای پیچیده و غنی گوناگون را می داد. از میانه قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری بافندگان نقش مایه هایی از تصاویر کتب خطی را مورد استفاده قرار دارند و پارچه های ابریشمی با تصاویری از میهمانی های شکار و همچنین مجنون در صحرائی احاطه شده به وسیله حیوانات، یا از شیرین در حال استحمام پوشیده می شد. (تصویر شماره ۴ و ۵). یک کت با تصاویری از شیوه و سبک رضا عباسی که هم اکنون در موزه اسلحه خانه سلطنتی در استکهلم Royal Armoury in Stockholm نگهداری می شود و در سال ۱۶۴۴ میلادی از سوی تزار روس به ملکه کریستینا هدیه داده شده بود، از جنس مخمل است و سطوح خالی و پوششی نخی و شیاردار در ورقه فلزی دارد. در اواخر قرنهای یازدهم و نوزدهم هجری با کاستن از پیچیدگی بافتها، در بیشتر اوقات تزئینات بیشتری با تکنیک زریفت اضافه شد. همچنین گلهای نسبتاً طبیعی که بر روی سطوح یا بستر فلزی تکرار می شوند، مورد استفاده قرار گرفت. از نیمه قرن نوزدهم نقوش تکرار شونده، گاهی اوقات شامل یک



تصویر شماره ۸:
فرش ترکمنی از
ترنساکسیانا
Transoxiana»
ماوراءالنهر»
قرن دوازدهم هجری.
فرش غنای خیره کننده‌ای
در رنگ دارد. و این ویژگی
وصفت قبیله یومات
Yomut است. این فرش
بازگوکننده نوع استفاده
از گل «gul» است.
موزه منسوجات و پارچه
واشنگتن
Textile Museum
Washington DC.

ارزشمندی مثل نمک به کار می‌رفت. زمانی که ترکمنها در مراسم عروسی و یا مراسم کوچ کردن حضور پیدا می‌کنند، شترهایشان را با تزییناتی از کرک‌های بافته شده می‌پوشانند. طرحهای به کار گرفته شده تأثیر محدودی از سنت فرش و پارچه‌های دریاری بعد از قرن نهم را نشان می‌دهد، اما الگوهای تکراری نقوش هندسی و یا هشت ضلعی‌ها به فرشهای دوره سلجوقی و دوران اولیه عثمانی برمی‌گردد. و به فرشهای به کار رفته در مینیاتورهای ایرانی اوایل قرن نهم شباهت دارد. نقوش تکرار شونده به عنوان «gul»، گل شناخته می‌شوند. کلمه‌ای که به طرق مختلف تفسیر شده است: ممکن است گل (gol) باشد که در زبان ترکی به دریاچه یا برکه اطلاق می‌شود، یا ممکن است به اردوگاه خانه مانند قدیمی یک قبیله اطلاق شود، یا به معنای گل (gul) در زبان فارسی یا ترکی باشد، بنابراین احتمالاً از طرح‌های گل و بوته‌دار پارچه‌های قدیمی مشتق شده است. (تصویر شماره ۸)

بزرگترین دستاوردهای دولت‌شهرهای آسیای مرکزی در قرن سیزدهم هجری، تولیدات سوزن دوزی به وسیله خانها بود. قطعات سوزن دوزی شده برای استفاده‌های متفاوتی در تزیین وسایل درون خانه به کار می‌رفت. اما بیشتر برای تزیین تختخواب عروس استفاده می‌شد. پارچه‌های نخی سفید گلدوزی شده در ابریشم به صورت زیر بوختی و کوک‌های زنجیر مانند بود. نقوش که بظاهر برگرفته از نیلوفرهای آبی قدیمی بودایی است، شامل پیچیک‌های سبز تیره‌ای می‌شود که گل‌های بزرگی دایره‌ای شکلی به رنگ قرمز را مانند خورشیدهایی در میان گرفته‌اند.

انواع دیگری از طرحها، مشبک‌های پیچیده‌ای است که ممکن است با دواير کوچک و یا گل‌دانهایی در فرش پراکنده شده باشند. بیشتر موضوعات فرشهای تزیینی شامل صحنه‌های شکار و صحنه‌هایی متشکل از اژدها و دیگر حیوانات یا باغهایی طراحی شده همانند نقشه‌ای با کانالهای آبی مورب است. (تصویر شماره ۷)

نمونه‌ای از این فرشها که در کارگاه هنری شاه‌عباس ساخته شد سطوحی از بافته‌های مسطح و نخهای گره خورده از طلا و نقره دارد. مساحت فرش بافته شده با گره‌های جفتی ایران و ترکیه مرتبط بود. اما استفاده از سنت بومی قفقازی، بیشترین شهرت را در تولیدات داشت و در ترکیبات استوار، خیره‌کننده و پیچیده نقوش این نوع فرشها، می‌توان انعکاس سلیقه و سبک دربار شیروان شاه (اواخر قرن نهم هجری) را مشاهده کرد. در دوره‌های بعدی کارها از استحکام و نیرومندی و پیچیدگی بیشتری برخوردار بود. این آثار در میان قبایلی چون شاهسون‌ها، افشارها و قشقایی‌ها تولید می‌شدند که می‌توانست گاهی اوقات با بافته‌ها و پارچه‌های دریاری ارتباط پیدا کند. تعدادی از تولیدات اواخر این دوره ریشه‌ای عمیق در گذشته داشتند.

فرشها و دیگر ضروریات زندگی چادر نشینی، در قرون سیزدهم و چهاردهم هجری به وسیله قبایل ترکمن شمال شرقی ایران، آسیای مرکزی و افغانستان تهیه می‌شد. ترکمن‌ها در گذشته و حال، قواعد و اصول چادر خیمه‌ها را به کار می‌بردند. آنها محیط و بنای چادرهایشان را با ساختاری مطمئن و محکم می‌ساختند. قالیچه‌ها به تقلید از پانلهای چوبی به عنوان در استفاده می‌شد. جعبه‌هایی که داخل آنها کرک یا پشم‌های بسیاری جاسازی شده بود برای قراردادن لباسها و یا تخت خواب‌ها و یا برای ذخیره

۱۰- نواری از خط کوفی تزیینی که روی لباس دوخته می‌شد.